

غزلباران

محمود صادقی



شماره شابک: ۷-۷۶-۵۳۰۶-۶۰۰-۶۲۸



اشر دستور

غذا - اران

محمود صادقی

نوبت چاپ: اول، شماره ان: ۱۰۰ (دور ۱۳۹۵)

قطع: رقعی (۱۱۱ صفحه)، قیمت: ۶۵۰۰ ریال

واژه نگاری و صفحه آرایی: فاطمه عطایی

طرح جلد: سراینده، اجرا: دفتر هنری طرح جامع، تلفن: ۰۹۱۵۵۰۹۴۱۸

لیتوگرافی: سوره، تلفن: ۰۲۷-۱۵۳۱۶۴۰۲۷

چاپ و صحافی: سینا، تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۱۸۴۶۴

شماره شابک ۷-۷۶-۵۳۰۶-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است

مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵ تلفن ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷، نامبر ۰۵۱-۳۸۴۳۹۷۲۱

پیام نگار: shahri81@yahoo.com

صادقی، محمود، ۱۳۵۹-	سرشناسه:
غزلباران / محمود صادقی (ادیب).	عنوان و نام پدیدآور:
مشهد: دستور، ۱۳۹۴.	مشخصات نشر:
۱۱۱ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.	مشخصات ظاهری:
شعر معاصر فارسی ۱۱.	فروست:
978-600-5306-76-7	شابک:
فیپا	سجیت فهرست نویسی:
شعر فارسی -- قرن ۱۴	موضوع:
۱۳۹۴ غ ۴۸۵۲ الف / ۸۱۳۱ PIR	رده بند - حرمه:
۸ فا ۱ / ۶۲	رده بند - دبلیو:
۴۰۶۵۲۶۵	شماره کتابت - سی لی:

فهرست سروده‌ها

- ۱۰ حالش گرفته بود خدا بال آفرید
- ۱۲ نیستی، این درد را با درد بی درمان بسنج
- ۱۴ بعد تو بیی نخواهد داشت از خود یاس‌ها
- ۱۶ حیف از این عمری که بی شب‌های مویت بگذرد
- ۱۸ باران گرفت و دایه ایت آسمان، تر
- ۲۰ دلخسته از قواعد رسخت هست‌ها
- ۲۲ هر شب تو را غزل به غزل می‌بایمت
- ۲۴ در این هوای بیش و کمس پرسد می‌ند
- ۲۶ زندگی یا عشق؟ هر دو امتحانی نیست
- ۲۸ شعر چیزی مثل انشاست
- ۳۰ تو را اندازه‌ی یک آه نه، صد آه می‌خواهم
- ۳۲ در این شب‌های خیس از خاطرات ناب بارانی
- ۳۴ باز کن پنجره را شعر زلالی بفرست
- ۳۶ غمگینم اما بر لبم لبخند صوری ست
- ۳۸ و مثل ماه در دریای غم تابیدنت بانو
- ۴۰ اگرچه زخم زبان‌های دشمنان کاری ست
- ۴۲ در من سماجی ست که ابراز کردن است

- چشمان من تصویری از باران زنده است. ۴۴
- تا روزهای روشن تو صبر می‌کنم. ۴۶
- هرکس که درد باران، درد ترانه دارد. ۴۸
- لحظه، تندخ جدایی است... چه پایان بدی. ۵۰
- تا آنی ملامت می‌کند هر صخره‌ای ما را. ۵۲
- من کتاب شعر، شستم جسم و جانم کاغذی است. ۵۴
- ترک کن لب را، لب لبو ها جان می‌دهند. ۵۶
- مثل هر چیز که فرهنگ خود را دارد. ۵۸
- نامش وطن باشد، وطن باشد، غن باشد. ۶۰
- دیدنی که آخر بر سر دینم چه آورده؟. ۶۲
- پشت نگاه پنجره، شب را سحر داده. ۶۴
- زمستان برف را آورد و باران را گرفت از من. ۶۶
- باغ اناری، شاخه‌هایی پُرثمر داری. ۶۸
- تا از این قصه مرا تا دل تو راهی هست. ۷۰
- «عاشقت هستم»، فقط در پاسخم خندید و رفت. ۷۲
- کار دنیا را ببین هر گوشه واویلاست، نیست؟. ۷۴
- باشد، خیالی نیست، حسَم را نفهمی. ۷۶
- مستان اگر میخانه‌ها را می‌شناسند. ۷۸
- باران صدای عشق در گوش زمین است. ۸۰

- ۸۲ خانم اجازه! من شما را دوست دارم
- ۸۴ یعنی چه خواهد شد پس از من سرنوشتش؟
- ۸۶ بگذار تا کار خودش را کرده باشد
- ۸۸ بی عشق زمین این همه دلتنگ نداشت
- ۹۰ بدون هیچ حرفی عاشقم شد
- ۹۲ شکر ب... رگه حق یک بار دیگر دیدمت
- ۹۴ حس طوفانی یک موج جوان دارد عشق
- ۹۶ تا نگاهم می آید حس غزل می گیردم
- ۹۸ ابری شدم تا تو ترن را بسازی
- ۱۰۰ این روزها دنیا پر از دیوار چمن است
- ۱۰۲ خشکیده است چشمه‌ی خود نوش آب
- ۱۰۴ اگرچه قلّه‌ی قاف است و فتح آن آلم است
- ۱۰۶ ایران من! تمام تنم و امدار توست
- ۱۰۸ پشت چشمان تو شهری ست تماشا دارد
- ۱۱۰ آمد نشست، حوصله‌ها را عیار زد